

اگر راست میگوئید برای این وضع نابسامان فکری کنید!

بخدا ادامه این وضع تمام زحمات شمارا بر باد میدهد!

اخیراً در گوشه و کنار فعالیتهائی از طرف افراد دلسوزی که خطر سقوط نسل جوان، را در پرتگاه فساد اخلاق و انحراف و گناه احساس کرده اند دیده میشود . این فعالیتهها بصورت تأسیس دبستانها و دبیرستانهای ملی ، کتبخانهها ، نشرات نشریات سودمند و مفید علمی ، اخلاقی ، اجتماعی ، تشکیل کنفرانسها و جلسات سخنرانی و سمینارها برای بررسی مسائل مربوط ب جوانان ، و بالاخره تأسیس وانجمنهای اسلامی، میباشد ، گرچه مجموع این فعالیتهها در برابر عوامل فسادى که این نسل را تهدید میکند بسیار ناچیز است ولی باز هم روزنه امیدى محسوب مى شود .

از طرفی گفته مى شود اخیراً از طرف «وزارت آموزش و پرورش» نیز طرحهائی برای اصلاح برنامههای اخلاقی و تعلیمات دینی بدنبال پرسشنامههای مفصلی که از ۷۵۰ نفر از دبیران و آموزگاران از سراسر کشور بعمل آمده ، ریخته شده که اگر در کمیسیونهای مربوطه دفن نشود و بزودی از تصویب نهائی بگذرد ، و اگر پس از تصویب بصورت صحیحی بمرحله اجرا گذاشته شود ، و اگر مجموع این جریانات آنقدر طول نکشد که حکم نوشدارو بعد از مرگ سهراب پیدا کند ، آنهاهم مسلماً قدم مفیدی در راه نجات جوانان خواهد بود .

اما همه این کارها در صورتی می تواند مارا کمی نسبت بآینده جوانان این کشور امیدوار کند که چشم خود را کلاً رو بهم گذاشته ، و جریاناتی را که در خارج در محیط کوچه و خیابان و کافه و سینما می گذرد بکلی نادیده بگیریم ، والا اگر کمی چشمهای خواب آلود خود را باز کنیم و آنچه را این فیلمهای سینما و تلویزیون ، و يك عده مطبوعات همراه ؛ و

گمراه کننده ، بخورد این جوانان بلکه کودکان معصوم این مملکت میدهند از نزدیک مشاهده کنیم ؛ یقین پیدا میکنیم که تمام این زحمات بیهوده است و سقوط نسل جوان کنونی حتمی است ۱ .

آخرین شوخی نیست ، کودکانی که از سن هفت سالگی بلکه کمتر ناظراندام برهنه ستارگان فیلمهای سکسی هستند و مناظر شرم آور عشق بازی آنها را «بدون پرده» با تمام نازک- کاریهایش روی پرده سینما و صفحه تلویزیون ، با دو چشم خود مشاهده می کنند و تمام فجایعی که در کاپاره های کثیف نقاط مختلف جهان در نیمه های شب صورت میگیرد همه را یکجا و در یک فیلم (آری در یک فیلم ۱) تماشا میکنند ، فردا چگونه خواهند بود .

جوانانی که مربی آنها این رنگین نامه های مبتذل که بنظر نام «مجله» بر خود گذارده اند و مطبوعات و زین مملکت را بدنام کرده اند ، میباید ، همین رنگین نامه هایی که تنها هدفشان بالابردن سطح معلومات جوانان در «مسائل جنسی» است و در انتخاب رمانهای مسموم و منحرف کننده و تهیه رپورتاژهای مبتذل و عکسهای شرم آور و فساد انگیز باهم مسابقه گذارده اند ، مسلماً جوانانی که در مکتب چنین مربیانی تربیت میشوند غیر از «عادلها» و «بیوکها» و «دسرینها» و صدها امثال آنها نخواهند بود .

از همه بدتره مجلات آلوده تجارتهی است که اخیراً بنام «بانوان» انتشار مییابد و رسوائی را بجای غیر قابل تصویری کشانده اند ، یکی برای جلب مشتریان عزیز ۱ جلسات شب- نشینی کذائی بنام جوانان راه انداخته و میعادگاه تازه ای بر میعادگاههای آنان میافزاید ، دیگری برای بازاریابی طرح «گول فریند» ؛ و «بای فریند» ؛ را با آب و تاب فراوان پیش کشیده ، و در لابلای عبارات ریاکارانه خود عملاً دختران و پسران جوان را با انتخاب دوست بلکه دوستانی از «جنس مخالف» تشویق میکند ، و با بپوشیدن تمام آنرا از مسائل غیر قابل اجتناب عصر ما معرفی کرده ، و حتی راه و رسم شکار دختران جوان را به پسران یاد میدهد ، و وقاحت را بجائی میرساند که به پدران و مادران اکتیداً توصیه مینماید که به اینگونه عشقهای دختران و پسران احترام بگذارند !

و همانطور که ملاحظه میکنید با توسعه آنگونه فیلمها ؛ و اینگونه مطبوعات قتل و جنایت و خودکشی و فرار دختران که معمولاً بدنیال ماجراهای رسوای عشقی صورت میگیرد گسترش مییابد (و آنچه از تعلیمات سوء آنها در اینجا اشاره کردیم گوشه بسیار ناچیزی بود) .

ما گاهی فکر میکردیم اینگونه مجلات (که سالمترین تعلیمات آنها معرفی انواع مدها و وسائل گوناگون آرایش است) و همچنین فیلمهای مشابه آنها، حکم داروهای مخدری دارد که بدست دشمنان این مملکت (ولو با چند واسطه) در مغز جوانان ما پاشیده میشود و افکار آنها را تخدیر میکند و با محروم ساختن این کشور از جوانان لایق و باایمان رها برای تحقق بخشیدن باغراض شوم بیگانگان هموار میسازند.

ولی الان آن فکر را نمیکنیم، زیرا اینها با وضع کنونی حکم سموم کشنده و قتلای دارند که سرانجامش نابودی نسل جوان ماست.

از همه مضحکتر اینکه این وضع را ضرورت زمان و اوزان بالاتر نشانه آزادی و آشنا شدن با اصول تمدن جدید! معرفی میکنند. اگر چنین است پس چرا خود شما اخیراً هنگام تشریح وضع اجتماعی جوانان و زنان در نقاط مختلف جهان صریحاً نوشته اید:

«در اتحاد جماهیر شوروی زنان حداکثر سادگی را رعایت مینمایند و اگر دختر جوان یا پسر جوانی لباس فوق العاده شیک و مرتب بپوشد و خود را زیاد آرایش کند مثلاً موهای خود را فر بزند! همه تصور میکنند آرتیست و هنرپیشه سینماست!»

مگر شما از قول یک دیپلمات فرانسوی که ده سال در شوروی اقامت داشته و مدتی نیز در دانشگاه مسکو تحصیل نموده نقل نکرده که: «در دبیرستانها و دانشگاههای شوروی در داخل و خارج مدرسه و حتی در خیابانها و کافهها هرگز مشاهده نمیشود دختران و پسران باهم معاشقه و تفریح کنند. بلکه همه آنها غرق مطالعه و تحصیل هستند! (و به همین دلیل تعداد مهندسين و کارشناسان جوان در کمتر نقطه‌ای از جهان با اندازه شوروی است).

مگر شما ننوشتید: «خانم سفیر فرانسه در مسکو مینویسد: در مدت هشت سال اقامت من در مسکو هیچگاه يك مرد روسی بدنبال من نیافتا و هیچ جوان روسی به من متلک نگفت و حال آنکه در پاریس و لندن و برلین! بارها مورد تعقیب مردان و جوانان واقع میشدم،!»

مگر شما ننوشتید: «در روسیه شوروی زن هر جایی وجود ندارد... . ولی با همه این احوال مگر هم اینها نبودند که برای اولین بار در میان چشمهای حیرت زده دانشمندان غربی موشک فضا پیمای خود را با آرامی در ما فرود آوردند، و فردام خودشان فرود خواهند آمد! اگر مقیاس تمدن و درك مقتضیات و واقعیات عصر ما این باشد که شما پیشنهاد میکنید باید شورویها دوران الاغ سواری را طی کنند و ما با این وضعی که داریم موشکهای فضا پیمای خود را از کره اورانوس و نپتون هم گذرانده باشیم جوانان روسی با آن وضع که شما نقل میکنید هم اکنون سرگرم مطالعه عکسهای شگفت انگیزی هستند که (لونا ۹) «بزمین مخابر» کرده و جوانان دست پرورده مکتب شما سرگرم مطالعه عکسهای لخت مادر زاد زنان آلوده!»

ولی ما عقیده دیگری داریم، ما نباید بخود زحمت دهیم با گردانندگان آنگونه سینماها

و اینگونه مطبوعات جر و بحث کنیم ، چون آنها سر از این مسائل مطلقاً در نمی‌آورند ؛ آنها تنها منافع مادی خود را می‌بینند و آنچه درآمد بیشتری برای آنها فراهم آورد ، و دیگر باین مطالب نمی‌اندیشند .

روی سخن ما باز عمای آموزش و پرورش کشور ، با پدران و مادران ، با جوانان با ایمان با مطبوعات و مجلات آپرومند و بساهدف ، با دانشمندانی که در گوشه و کنار اجتماع نشسته و ناظر این مناظر اسفانگیز و دلخراشند ، باینها میگوئیم : بخدا ادامه این وضع تمام زحمات شمارا بر باد میدهد و هر نقشه اصلاحی شمارا نقش بر آب میکند و آینده‌ای ننگین که حتی تصور آن امروز برای مامشکل است برای این اجتماع بیار میآورد .

آخر کمی شهامت و قاطعیت بخرج بدهید امتیاز اینگونه مجلات رسوارا لغو کنید و جلو آن فیلمها را بگیرید ، بگذارید دونفر هم در گوشه و کنار در برابر این عمل نیک ، بزنند . مردم هم باید بخواهند تا بشود ، پدران و مادران هم باید اقلایک قدم در راه مبارزه با این وسائل فساد بردارند ، تا سر نوشت جوانان نشان سر نوشت عادلها و بیوکها نشود و اگر این اندازه شهامت ندارید و این مقدار هم حاضر نیستید بی جهت بخودتان زحمت ندهید و وقت خود را برای تهیه برنامه‌ها و تأسیس مراکز تربیتی و امثال آن تلف نکنید ، بنشینید و پایان این صحنه غم‌انگیز را تماشا کنید .

آیا میدانید

سال گذشته پرسشنامه مسوطی برای ۷۵۰ نفر از دبیران دبیرستانها در سراسر کشور ارسال گردید ، و اخیراً کتابچه مفیدی بر اساس این پرسشنامه تنظیم یافته و آماری در آن دیده میشود که میتواند نکات بسیاری بما بیاموزد که در موقع مناسب لازم است از آن بحث شود .

ضمناً در پاسخ این سؤال که «چه کتابها و نشریاتی را برای دانش-

آموزان دبیرستانها مفید میدانید؟» در «درجه اول» نام مجله «مکتب اسلام» را ذکر کرده‌اند . این آمار نشان میدهد که اکثریت فرهنگیان کشور این مجله را بعنوان یکی از مفیدترین نشریاتی که میتواند راهنمای نسل جوان امروز باشد شناخته‌اند . ما امیدواریم روزی فرارسد که این مجله بدست عموم دانشجویان در داخل و خارج کشور و عموم دانش آموزان عزیز برسد و چراغ راه زندگی آنها باشد ، و باین وسیله بتوانیم خدمت بیشتری باین اجتماع بکنیم .